

چشم نرگس به شقایق نگران است هنوز

گفت و گو با نرگس کلباسی

■ ویژه نامه زن و جامعه (از دیروز تا امروز)

- زبان زنان دراز شده است
- خانه نشینانی بر بلندای شهر
- زن و توسعه در ایران
- فضای مردانه در سیاست شکسته خواهد شد
- تمامی زنان جهان فمینیست هستند
- زنانه نویسی و اصفهان
- زنان را استخدام نکنید؛ نقش زنان در اقتصاد ایران

با گفتار و نوشتار هانی

شهیندخت مولاوردی

محسن رنانی

نرگس کلباسی

هلن اولیایی نیا

نزهت احمدی

سیمین کاظمی

اکرم مصوری منش

ناهید تاج الدین

زهره اخوان نسب

پریچهر سلطانی

سهیلا ترابی فارسانی

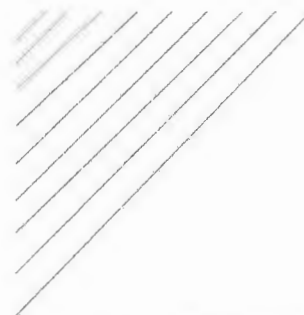
مهدخت صنعتی زاده کرمانی

سینا ایرانیپور

ناهید دایی جواد

بسم الله الرحمن الرحيم

برگرفته از
خرداد ماه ۱۳۹۶ / شماره هفتم



یادها و رویدادها

۴

زن در تاریخ

۲۰

زن و آموزش

۳۵

زنان نامی اصفهان

۴۳

زنان مهاجر

۵۸

فمینیسم

۶۶

زن و ادبیات

۷۴

زن در اجتماع

۸۸

زن به ظن ما سرمقاله / سید مرتضی رضوانی

زن همچنان جنس دوم / الهه باقری

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر متن سخنرانی نرگس کلباسی، روایت عشق از زبان درد
چشم نرگس به شقایق نگران است هنوز گفتگو با نرگس کلباسی / سید مرتضی رضوانی،
حسن قانونی

ما زنان کجا ایستاده ایم؟ / حدیث اورک

زن در تاریخ باستان / شیوا فتاحی

زن ایرانی از نگاه سیاحان خارجی / مهناز کوهی

زنان در تکاپوی یافتن هویت؛ در مصاحبت دکتر سهیلا ترابی فارسانی / الهه باقری

تغییرات اجتماعی زنان در دوره رضاشاه / پروین کارگر

زنان و مدرنیزاسیون در دوره محمدرضاشاه / فاطمه رضایی ادر

از زن بزرگ کرده غرب زده تا زن انقلابی مکتبی / دکتر سپهر کاظمی

راه دشوار آموزش دختران در اصفهان / شهناز خواجه

تا پسوز د دلت از بهر دل سوخته ام؛ گفتگو با بتول زندی زاده / الهه باقری

روایت هایی از مشکلات بی سواد زنی در اصفهان / حسین قربانی

آموزش کلید صلاح است؛ گفتگو با نهضت قریشی نژاد / الهه باقری

خانه نشینانی بر بلندای شهر / دکتر نرگس احمدی

سلطان پخت آغازنی آرمیده در محله در دشت / سمیه ضیایی

بانوی عظمی ساکن باغ هشت بهشت / فاطمه قاضیها

زبان زنان در از شده است؛ در مکاتبه با مهدخت صنعتی زاده کرمانی / الهه باقری

زن و مرد به مانند دو بال پرنده؛ گفتگو با دکتر پریچهر سلطانی / الهه باقری

زنان قفقازی در دربار صفویه / سمیه انصاری

روایت ارنست هولتسر از زنان ارمنی اصفهان / یاسمین سهیلی

اقامت زنان لهستانی در ایران / الهام لطفی

فمینیسم و جریان های ادبی / عرفانه بکرانی

تمامی زنان جهان فمینیست هستند؛ گفتگو با دکتر هلن اولیایی خیا / الهه باقری

فمینیسم مردانه / زهرابه نام

سیر حرکت زنان از قصه گویی به قصه نویسی / پدیده قربانی

زنانه نویسی و اصفهان؛ گفتگو با زنان نویسنده اصفهان / علیرضا محرز و علی شکیبایی

شعر زنان از مشروطه تا به امروز / رضایزدانی

حرف هایی از جنس شعر؛ گپ و گفتی دوستانه با بانو سعیده زارع / الهه باقری

کنگره نسوان شرقی؛ سر آغاز دخالت همه جانبه دولت در امور زنان / مجید علیپور

گزارش انجمن خیریه بانوان اصفهان / دکتر مولود ستوده

زن و توسعه در ایران / دکتر محسن رنئی

زن، توسعه چالش ها و راهکارها در گفتگو با فعالان اجتماعی زن / سیدمرتضی رضوانی

زن و اشتعال ۱۰۷

اداره یا خانه؟ بررسی موضوع اشتغال زنان در اصفهان / دکتر عبدالمهدی رجایی
مأمایی که هرگز بچمدار نشد؛ گزارشی از دیدار با فاطمه امینی، زنی ماما / الهه باقری
حمومی آی حمومی؛ گفت‌وگو با صغری شریفی سرکارگر حمامی / الهه باقری
مروج خانمهای فرهنگ و روستایی / مرجان ریاحی
مصاحبه با زنان کارگر دیروز و امروز، گزارشی درباره وضعیت زنان کارگر / الهه باقری
زنان را استخدام نکنید؛ نقش زنان در اقتصاد ایران / سینا ایرانیور انارکی

زن و مدیریت ۱۲۳

تصمیم‌سازی برای زنان کشور باید توسط زنان انجام شود؛ گفت‌وگو مریضه زارع و سمانه کلدانی
بازرها اخوان‌نسب
زنان برای رسیدن به جایگاه واقعی خود باید بجنگند؛ گفت‌وگو مصمیمانه با مهندس میترا اعبادی /
الهه باقری

زن و محیط زیست ۱۲۸

اگر فرهنگ زیست‌محیطی در مادران رسوخ کند / پگاه امیر دیوانی
نقش زنان در محیط زیست؛ گفت‌وگو با دکتر صدیقه بیران، فعال امور زنان و محیط زیست / الهه باقری

زن و سیاست ۱۳۲

زنان اصفهانی و کرسی‌های مجلس / الهه باقری
سلام به زنان فرهیخته و سخت‌کوش استان اصفهان؛ گفت‌وگو با شهیندخت مولاور دی / الهه باقری
تلاش‌های پشت پرده برای احقاق حقوق زنان؛ گفت‌وگو با اکرم مصوری‌منش / الهه باقری
فضای مردانه در سیاست شکسته خواهد شد؛ گفت‌وگو با ناهید تاج‌الدین / سیدمرتضی رضوانی

زن و هنر ۱۴۰

نقوش و سنگ‌نوشته‌های قبور زنان مدفون در تخت فولاد / دکتر احمد کامران‌فر
بانوی نگارگر عاشق؛ گفت‌وگو با زهره فیض‌الهی / الهه باقری
بانوان هنرمند اصفهان رنگ‌ها و طرح‌های این شهر را برای کودکان فردا زنده نگاه می‌دارند؛
مصاحبه با خانم سمیرا زمانی / امیر رجایی
عیار زیبایی خط به روح هنرمند بر می‌گردد نه جنسیت او؛ گفت‌وگو با شهناز ملکی / سعید آقایی
اجبای هنر کهن کاغذسازی سنتی در اصفهان؛ گفت‌وگو با فریبا مجیدی / عرفان رجایی
معماری معاصر اصفهان از دیدگاه دو معمار زن؛ گفت‌وگو با مهندس الهام گرامی‌زاده و مهندس مینا
معین‌الدین / آرزو صادق حسینی
تن‌پوشی از جنس هویت ایران؛ گفت‌وگو با مهنوش خسروی / شکبیا شریفیان

زن و تئاتر ۱۵۲

ورود زنان به عرصه تئاتر اصفهان / معصومه گودرزی
تئاتر اصفهان و سوسو کردن شعله آن / گفت‌وگو با پری کرلیلی (سیاره انگاشته)، معصومه گودرزی

زن و موسیقی ۱۵۸

ساز را در پستوی خانه نهان باید کرد / شقایق حدادیان
آینده را بسیار روشن می‌بینم / گپی با استاد ناهید دایی‌جواد، امیر رجایی
موسیقی یکی از والاترین هنر هاست؛ / گفت‌وگو با فاطمه فریدی‌زاده

زن و حقوق ۱۶۴

زنان و آسیب‌های اجتماعی / نوشین آذری
حقوق بین الملل ابزاری برای پیشبرد حقوق زنان / لیلا علی‌کرمی
لزوم برابری قوانین ارث و دیه و راهکارهای وصول آن / شیمیا قوشه

شناسنامه

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:

حسن قانونی
سرمدبیر: سید مرتضی رضوانی
دبیر ویژه‌نامه: الهه باقری
دبیر ادبیات: سیاوش گلشیری
هنر: امیر رجایی
ویراستار: الهام لطفی

همکاران این شماره:

دکتر محسن رنانی، دکتر نزهت احمدی،
دکتر سیمین کاظمی، دکتر احمد کامرانی‌فر،
دکتر عبدالمهدی رجایی، دکتر مولود ستوده،
پروین کارگر، مجید علیپور، فاطمه قاضیها،
معصومه گودرزی، شقایق حدادیان، شهناز
خواجه، حسین قربانی، حسین قانونی، مهدی
ابن نصیر، فاطمه رضایی‌رادفر، سمیه انصاری،
یاسمین سهیلی، سمیه ضیایی، مهناز کوهی،
شیوا فتحی، پدیده قربانی، علی شکیبایی،
علیرضا محرز، عرفانه بکرانی، زهرا بهنام،
رضا یزدانی، سینا ایرانیور انارکی، پگاه
امیردیوانی، سعید آقایی، عرفان رجایی، آرزو
صادق حسینی، شکبیا شریفیان

با تشکر از: دکتر احسان امینی، نرگس
صفار، سپهر سلیمی، محمد ناظمی هرنزی،
دکتر رضا اسماعیلی، حامد جعفرزاده، آرزو
شجاعی، امیر حسین دادخواه، حسام رضایی،
سید حسین زارع، حسینی حق شناس، اکرم
سادات علوی

مدیر هنری: زهرا حسینی
دبیر عکس: محمد علی میرزایی

توسعه و تبلیغات: مریضه زارع، یاسمین
دادخواه، فاطمه اسدی
روابط عمومی: سمانه کلدانی
امور اجراء: رضوان عابدینی
امور هماهنگی: نجمه صادقیان
امور فنی و چاپ: رضا جعفری جبلی
طراحی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی
هنری نگارافرن فردای شرق آریا
چاپ: چاپ و لیتوگرافی آرمان
توزیع: اصفهان امروز

نشانی: اصفهان، بلوار میرزا کوچک خان،
حدفاصل پل وحید و میدان سهروردی،
مجمع اداری زاینده‌رود، طبقه سوم
وبسایت: www.baraye.farda.ir
ایمیل: barayefardaa@gmail.com
کانال تلگرام: telegram.me/barayefardaa

در ایران باستان زن و مرد برابر بودند

| زن در تاریخ باستان

بیرون از خانه همدوش مردان کار می‌کرد و از طرفی دیگر، به‌طور ذاتی و فطری باروری مسئولیت او بود، ارزش و اهمیت زن در مقایسه با مرد فزونی یافت. به اعتقاد ویل دورانت، این دوره آغاز دورهٔ مادرشاهی در ایران بود. در همین زمان است که زنان مسئولیت‌هایی همچون فرمانروایی و قضاوت و ادارهٔ امور خانواده را به عهده داشتند؛ همچنین به اعتقاد گیرشمن نگهداری آتش، نگهداری خانه، تهیه و پخت غذا، ساختن ظروف سفالی و نگهداری فرزندان باعث اولویت زن به مرد شد و ادارهٔ کارهای قبیله به دست زن افتاد. در عین حال، سلسله انساب خانواده به نام زن خوانده می‌شد. این نحوهٔ اولویت و تفوق زن بر مرد عصر مادرشاهی در فلات ایران شروع شد و همین سیستم که یکی از خصایص ساکنان ایران بود، بعدها در آداب آریاهای فاتح وارد شد.

••• زن در تاریخ پیش از اسلام

پس از استقرار سلسلهٔ ماد در مغرب ایران، اندک‌اندک رژیم مادرشاهی جای خود را به رژیم پدرشاهی داد. با این حال، فعالیت کشاورزی با زنان بود و مردان برای زنان اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. در دوران مادها، زن به ریاست قبیله و نیز قضاوت می‌رسید و هنوز بقایایی از سیستم مادرشاهی وجود داشت. در زمان مادها، دختر و داماد پادشاه می‌توانستند جزو وارثان وی باشند. با روی کار آمدن کوروش و وضع قوانین جدید، وضعیت زنان ثبات بیشتری پیدا کرد. مشهورترین نمونهٔ تساوی حقوق زنان و مردان در ایران باستان، اجازهٔ انتقال سلطنت از پادشاه به دختر بود. آخرین پادشاه مادها، «آستیاک»، دارای فرزند پسر نبود و دختر آستیاک کسی نبود جز ماندانا، مادر کوروش که همین مسئله در انتقال قدرت به کوروش نقش مهمی بازی کرد.

••• زن در دورهٔ مادها

در تاریخ ایران، حکومت مادها دورهٔ انتقال عصر مادرسالاری به پدرسالاری است؛ براساس اسناد و

در طول تاریخ، انسان‌ها همواره در پی نمادی کامل از خود در تمام زمینه‌ها بودند تا در زندگی، آن اسوه و نمونه را سرمشق خود قرار دهند. این نمونه‌ها گاه به‌صورت اسطوره‌هایی در اعتقادات و باورهای قومی تبلور پیدا می‌کنند. گاه این اسطوره‌ها چنان در دل ملتی راه یافته‌اند که به مرور به‌صورت خدایانی بزرگ درآمد و ستایش و عبادت شده‌اند. ناهید، الههٔ زنان، یکی از این اسطوره‌ها بوده که به مرحلهٔ الهه‌بودن رسیده و در ایران باستان از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. ناهید به‌عنوان الههٔ زنان قبل از اسلام، خدایی مونث بوده که به اعتقاد آن دوران، بر تمام اعمال و رفتار زنان نظارت داشته و از آنان خشمگین یا خشنود می‌شده و هنگام نیاز به آنان کمک می‌کرده است. ایرانیان برای این الهه معابدی می‌ساختند و مجسمه‌هایی درست می‌کردند و به‌صورت نماد در داخل معابد قرار می‌دادند. یک نمونه از آن در سراب استان کرمانشاه است. این الهه موسوم به الههٔ مادر است.

در تاریخ ایران، زن همواره در دوره‌های مختلف دارای ارزش و احترام بوده و در پیشرفت تمدن‌ها و ترقی فرهنگ‌ها پایه‌ی مردان تلاش کرده است. در ایران باستان، همیشه مقام زن و مرد برابر و در کنار هم ذکر شده است؛ حتی گروهی از ایزدان، مانند آناهیتا، زن بوده و در میان صفات اهورامزدا امشاسپندان، امرداد، خرداد و سپندارمذ زن بودند. در اوستا زن و مرد همسنگ هم به‌شمار می‌روند. در فروردین‌یشت چنین آورده شده است: اینک فروهر همهٔ مردان و زنان پاک را می‌ستاییم آنان که روان‌هایشان درخور ستایش و فروهرهایشان شایسته است. اینک فروهر همهٔ مردان و زنان پاک‌دین را می‌ستاییم. در ایران پیش از آریایی‌ها و هم‌زمان با شکل‌گیری تجمعات انسانی، کانون خانواده مرکز قدرت قبیله بود؛ چون زن هم در خانه و هم در



شیوا فتاحی

کارشناس ارشد
ایران باستان

زَن در تاریخ





برخی از این زنان به صورت عقد مهلت‌دار یا فرد ایرانی به سومی بردند و برخی دیگر نیز با روابط آزاد یا مردان ایرانی حشرو نشر داشتند.

❖ زن در دوره ساسانی

در عهد ساسانی، زمانی که دختری از خانواده‌ای مرفه به بلوغ جسمی و عقلی می‌رسید، پدر وی وظیفه داشت برای او شوهری مناسب بیابد. اگر پدر مرده بود، این وظیفه را جانشین پدر و کفیل خانواده، یعنی بزرگ‌ترین فرزند بالغ او، عهده‌دار بود. بالاخره اگر چنین پسری نیز وجود نداشت، وصی یا قیمی که دادگاه برای رسیدگی به امور خانواده مرد فقید تعیین کرده بود، موظف بود که دختری را به شوهری شایسته دهد. بدیهی است اگر دختری از خانواده ثروتمند و اشرافی بود، خواستگاران بسیاری داشت. در دوره ساسانیان، مقام و موقعیت زنان در جامعه اهمیت بسیاری داشت. زنان نقش مؤثری را در بین تمام طبقات جامعه ایفا می‌کردند و به عالی‌ترین مقام می‌رسیدند و سلطنت می‌کردند. البته فقط زنان طبقات بالای جامعه از امتیازات خاصی برخوردار بودند. تاریخ درباره وضعیت توده زنان سکوت کرده و به این مقوله نپرداخته است.

❖ فرجام سخن

برای درک وضعیت زنان در ایران و نقش آن‌ها در زندگی سیاسی باید بستر تاریخی اجتماعی و مسائل بنیادین مانند مقام و منزلت زن در جامعه، ملهم از مجموعه ارزش‌ها و اعتقادات و باورها، حضور تاریخی مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها در سیاست و نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی سیاسی را که همگی عناصر اساسی در پیدآوردن فرهنگ سیاسی جامعه است، مدنظر داشته باشیم. وضعیت حال هر پدیده اجتماعی بدون شناخت پیشینه تاریخی و عقاید و ارزش‌های حاکم بر جامعه میسر نیست. کشور ایران در طول تاریخ خود، همواره جزء مراکز مهم تمدن دنیا با فرهنگ و تمدنی شکوفا و غنی بوده است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نقش مهم و اساسی در شکل‌گیری و گسترش تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... این مرزوبوم داشته‌اند. البته اطلاعات و دانستنی‌ها درباره وضعیت زنان در ایران، مانند همه نقاط جهان، کم و گاهی متناقض است؛ از طرف دیگر، تاریخ سیاسی زنان از تاریخ سیاسی مردان جدا نیست و همه تواریخ حول محور پادشاهان نوشته شده است؛ در نتیجه، درک وضع توده مردم و از جمله جامعه زنان ایران مشکل است. پایه و ارزش مدارج نقش‌هایی که زن در جامعه ایفا می‌کرد، آزادی‌هایی بود که در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی از آن برخوردار می‌شد.

مدارک موجود دوران اولیه زندگی اجتماعی انسان، عصر حجر و عصر مفرغ، دوره مادرسالاری بوده است؛ اما پس از شروع عصر آهن و تکامل ابزار کار، با تحول تاریخی نقش زن و مرد روبه‌رو می‌شویم که مصادف با دوره حکومت مادهاست. در این دوره، در جامعه حقوق زن و مرد با هم مساوی بود. در امور سیاسی و حتی در حق توارث سلطنت نیز مساوی بودند. دیاکونف در کتاب تاریخ ماد می‌گوید: «در میان مادها و پارسیان و مصریان دختر پادشاه و داماد او می‌توانند به جای او بنشینند».

❖ زن در دوره هخامنشی

در عصر حکومت هخامنشیان، زمینه اجتماعی مقام زن بر مبنای مفاهیم عدالت و مردمی عصر خود استوار بود. در این دوره، زن در امور سیاست و تعلیم و تربیت و نیز سرنوشته میدان جنگ نقش داشته است. در زمان هخامنشیان برای نخستین بار در تاریخ زنی به مرتبه دربارسالاری، فرماندهی نیروی دریایی، خشایار شاه رسید که نام او آرتیمیس بود. البته کسب مناصب نظامی تنها به آرتیمیس ختم نمی‌شود. فرمانده آرسیباب زنی داشت به نام پانتیه که فرمانده گارد جاویدان بود.

❖ زن در دوره اشکانی

اطلاعات چندان‌ی در دست نیست. اندک اطلاعاتی که وجود دارد، از آن حکایت دارد که نقش ملکه‌های اشکانی چندان نبوده است و آن‌ها در امور سیاسی و دولت مداخله چشم‌گیری نکرده‌اند. البته فقط در یک نمونه از ملکه موزا، همسر فرهاد چهارم، یاد شده که با پسرش فرهاد پنجم در سلطنت مشارکت داشته است. در عصر اشکانیان زن موهبتی برای برقراری صلح میان اقوام مختلف و ملت‌ها بود و پیوند زناشویی با آن‌ها اتحاد، وحدت، صلح و امنیت را باعث می‌شد. در زمان اشکانیان تاحدی موقعیت زن ایرانی تحکیم شد؛ ولی به هر حال، حکومت سلوکی‌ها و تأثیرات ناشی از آن و نفوذ هلنیسم اثر خود را گذاشت. از طرفی در دوران پارت‌ها یا اشکانیان، به علت گستردگی قلمرو پارت‌ها، طوایف و اقوام و ملل گوناگون در امپراتوری وسیع اشکانیان می‌زیستند که هر یک آداب و رسوم و سنن مخصوص به خود داشتند و طبیعتاً این دگرگونی در وضعیت زن و خانواده ایرانی اثربخش بود.

❖ زن در دوره سلوکی

در زمان سلوکی‌ها، زنان و دختران یونانی بسیاری در ایران زندگی می‌کردند و چون در یونان زن با مرد تساوی حقوق نداشت، این مسئله در وضعیت و سرنوشت زن ایرانی نیز تأثیر گذاشت. در این زمان، تعداد چشم‌گیری از زنان و دختران یونانی معشوقه مردان ایرانی شدند که به طور قطع، از استحکام بنیان خانواده ایرانی کاست.

کتابخانه

۱. خدادادیان، اردشیر، (۱۲۸۳)، تاریخ ایران باستان، تهران: سخن.
۲. صدر، حسن، (۱۳۵۷)، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: جاویدان.
۳. علوی، هدایت‌الله، (۱۳۷۸)، زن در ایران باستان، تهران: هیرمند.
۴. عنبرسوز، مریم، (۱۳۹۰)، زن در ایران باستان: بررسی حضور سیاسی فرهنگی زن از ظهور زرتشت تا ظهور اسلام، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۵. هوار، کلمان، (۱۳۷۵)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.

زن ایرانی از نگاه سیاحان خارجی



مهناز کوهی

دانشجوی دکتری
تاریخ اسلام

■ در قرن نهم قمری، با تلاش‌های اسماعیل از نوادگان صوفی برجسته آذربیلی، یعنی شیخ صفی‌الدین، دولتی بنیان نهاده شد که در کمتر از یک قرن، صاحب یک امپراتوری بزرگ جهانی شد. دولتی که به زودی توجه قدرت‌های اروپایی را به خود جلب کرد. مأموریت‌های سیاسی مذهبی باب مناسبات با اروپا را گشود و سفیران متعددی در دربار شاهان صفوی حضور یافتند. این روند در دوره‌های بعد، از جمله دوره قاجار، نیز تکرار شد. خاطرات سفر این سیاحان به ایران، امروزه از مهم‌ترین منابعی است که می‌تواند ما را با قسمت‌هایی از تاریخ آن روزگار آشنا کند. در گفتار پیش رو به بررسی وضعیت زن در دوره صفوی وقاجاریه براساس این سفرنامه‌ها پرداخته‌ایم.



خود منشایان را می‌مانند» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۳۲۳).
آسان در فضیلتی بی‌رحمانه و ناسمجوار زن را وصف
کلمجوسی و شهنشاهی و آوردن فرزند می‌دانند تاوریته
(۱۳۶۹، ۴۲۸).

زن‌های ایرانی مجبور به ماندن در خانه بودند؛ اما گاهی
به عالی‌ارجمه شرکت در مراسم مذهبی، همچون
مراسم روز عاشورا، در شهر حضور پیدا می‌کردند. این
مراسم در مساجد برگزار می‌شد و تمام زنان شهر اعم
از فقیر و غنی، زنان خانواده‌های متشخص و حتی
روسی‌ها نیز در آن شرکت می‌کردند. پوشش آن‌ها
چادر یا روبنده‌های سفید بود و بنابراین چندان تفاوتی
میان طبقات مختلف جامعه وجود نداشت. زنان روسی
به آسانی تشخیص داده می‌شدند زیرا با لباسی بهتر به
این مراسم می‌آمدند (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۳۰۸).

زنان مذکور در این روز با پوشش خاص خود و در حالی که
صندوقچه‌ای چوبی یا طلایی در دست داشتند، در بین
مردم به جمع‌آوری صدقه می‌پرداختند و این صدقات
را به فقیرانی می‌دادند که از قبل شناسایی کرده بودند.
کار جمع‌آوری صدقات از مردم منحصر به روسی‌ها
نبود. زنان متشخص از خانواده‌های محترم شهر نیز به
این کار مبادرت می‌کردند؛ «حتی قابل ذکر آن است
که همه زنان از هر طبقه و در هر شرایطی که باشند
در این ده دوازده روز عزادار خانه‌های خود نیز روبنده
از صورت برمی‌گیرند و هر کاری را با صورت پوشیده
انجام می‌دهند و این نشانه نهایت اخلاص و سوگواری
آن‌ها برای حسین است» (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۲۱۳).

همان گونه که اشاره شد در دوره صفویه مردان ایرانی،
نظر به وضع مالی و امکانات زندگی که در اختیار
داشتند، می‌توانستند زلفی اختیار کنند؛ بنابراین مرد
غیر از زن با زنان عقدی می‌توانست زلفی را در صیغه
نگه دارد و در مقابل پول، در مدتی معین از آن‌ها بهره
ببرد. این نوع زنان را متعه می‌گفتند. همچنین مرد
می‌توانست زن یا دختری را به عنوان کنیز خریداری
کند که در آن صورت مالک او می‌شد. اگر مرد از متعه
یا کنیزش صاحب فرزندی می‌شد، سرپرستی او را
خود به عهده می‌گرفت و این فرزندان همانند فرزندان
زنان عقدی از پدر خود ارث می‌بردند. نکته درخور
توجه اینکه این فرزندان نامشروع شمرده نمی‌شدند
(اولتاریوس، ۱۳۶۹، ۶۷۰). در سفرنامه برادران شرلی
آمده است: «مردها فقط یک زن دارند ولی هر قدر که
میل داشته باشند می‌توانند صیغه نگهدارند».

پوشش زنان عصر قاجار از دید سیاحان زن

در عصر قاجار نیز این روند ادامه داشت و جهانگردان
بسیاری با مقاصد خاص خود وارد ایران شدند که
اکثر آن‌ها به نوشتن شرح سفر خود اقدام کردند.
در بین این افراد سه زن خوش‌ذوق و نکته‌سنج به
نام‌های مادام دیولافوا، لیدی شل و کارلا سترنا وجود
داشت که دیدگاه و خاطرات خود را به شیوه‌ای در
سفرنامه‌هایشان گنجانده‌اند.
مادام دیولافوا همسر دیولافوا، لیسان شلس معروف
فرانسوی بود. دیولافوا بعد از اینکه امتیاز حفاری در

سفرنامه برادران شرلی، دو مجلد زاده انگلیسی، به این
عبارت برمی‌خوردیم: «زنان ها اگر چه زن‌ها را محترم
می‌دانند، ولی چنین تصور می‌کنند که آن‌ها برای
آسیری و بواچوسی مردها خلق شده‌اند نه برای آزادی
و تمجید و... و این سسول ضعیف‌الطبع از آن‌ها به کلی
محروم‌اند».

کاترینوتسو، از سفرای جمهوری ونیز، مصر را تأکید
بر ندیدن زنان در ایران دیدن زن نامحرم را معادل
عمل زنا در مملکت خویش می‌داند و می‌نویسد
از این روست که زنان در معابر عمومی حتی صورت
خود را می‌پوشانند. با این حال زن در ایران، از سفرای
امپراتور آلمان به بریار آلمان می‌آید؛ در سفرنامه‌اش
از زنان گس می‌گوید که هر خلاف زنان دیگران از ما
دوری نمی‌جویند و از دیدن ما و حرف زدن با ما بسیار
جوشوقت می‌شوند.

به گواهی این سفرنامه‌ها، مرد ایرانی در برابر همسر
خویش خود را واجد هر نوع آزادی و اختیاری
می‌دانست. زن می‌بایست مطیع میل مرد رفتار
می‌کرد و او این حق را داشت که با همسرش هر
طور که بخواهد رفتار کند در صورت مشاهده هر گونه
ارتباطی با غریب بیگانه، شوهر حق داشت هر مجازاتی
در باره همسر خود اعمال کند (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲،
۶۷۰ و ۶۷۱).

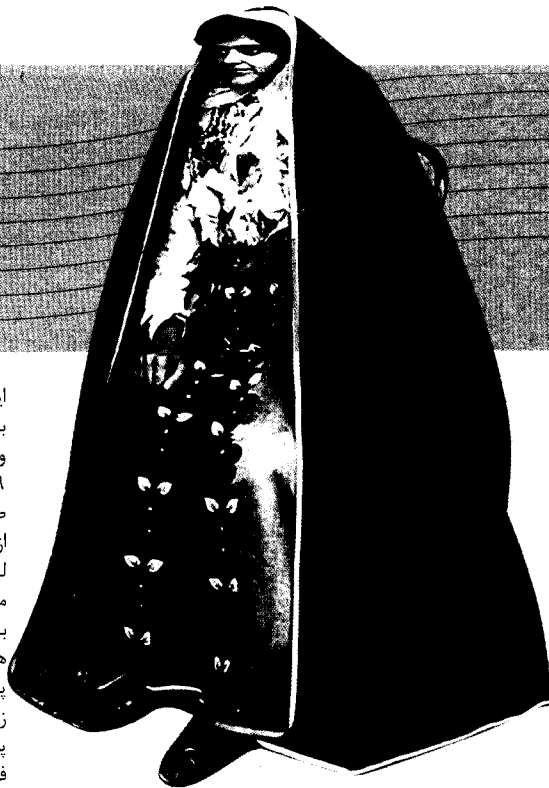
زنان طبقات پایین‌تر جامعه برای انجام اموری همچون
رفتن به حمام عمومی، اجازه خارج شدن از خانه را
داشتند. در این گونه مواقع آن‌ها می‌بایست خود را کاملاً
می‌پوشانند. در این زمینه فیگوروا، سفیر پادشاه اسپانیا
در دربار شاه عباس اول صفوی، در سفرنامه‌اش چنین
آورده است: «زنان و دختران پیشوران و طبقات پایین
به‌طور گرویی در شهر حرکت می‌کنند و دسته‌جمعی
به حمام یا تفریح و نمایش می‌روند؛ اما زنان متعین و
متشخص هیچ‌گاه از خانه خارج نمی‌شوند و همواره با
دقت مورد حراست قرار می‌گیرند و در خانه‌های خود
حمام اختصاصی دارند. چون مردان ایرانی نسبت به
زنان خویش حسودترین مردان جهان‌اند». زنان
طبقات بالای جامعه به‌ندرت از خانه خارج می‌شدند
و رفت‌وآمد آن‌ها منحصر به نیمه‌شب بود (شاردن،
۱۳۷۴، ج ۴، ۱۳۲۵). پیشرو دلاواله، نجیب‌زاده ایتالیایی
می‌نویسد: «معمول نیست زنان متشخص هنگام روز
در شهر بگردند چون به‌خاطر همراهانشان شناخته
می‌شوند و شب‌ها هم به‌خاطر بسته‌بودن مغازه‌ها
رفتن به بازارستان فایده‌ای ندارد».

به گفته تاوریه، سیاح فرانسوی، زنان تا آن حد از
معاشرت با مردان دیگر غیر از شوهر خود بازداشته
می‌شدند که اگر میهمانی به خانه می‌آمد، مردان و
زنان بر سر یک سفره غذا نمی‌خوردند و مرد خانه بود
که به امر پذیرایی و انجام کارها می‌پرداخت.
نکته جالبی که هم تاوریه و هم شلردن درباره زنان
عامه جامعه ایرانی در عصر صفوی به آن اشاره کرده‌اند،
این است که زنان ایرانی همواره در خانه به سر می‌بردند؛
ولی کار چندان انجام نمی‌دادند، نه در امور فرزندپروری
دعالتی داشتند و نه در امر خانه‌داری. «تمام مدت روز
در بستر می‌مانند و کنیزکان کم‌بسال با دست‌های

نگاهی به وضعیت زن در جامعه صفوی

از ویژگی‌های بارز جامعه ایرانی در طول تاریخ، سعی
در پنهان نگه داشتن زن از دید نامحرمان بوده است.
این ویژگی نه تنها منحصر به زنان ایرانی پیش از
اسلام بود، بلکه بانفوذ اسلام و تأثیر و تأثر فرهنگ
اسلامی و فرهنگ ایرانی، در تمام ادوار اسلامی حفظ
شد. با نگاهی واقع‌بینانه به زندگی زن ایرانی می‌توان
محدودیتی را که از دیرباز به او تحمیل شده، مرزهایی
که او را از دخالت در جامعه و امور اجتماعی باز داشته
است، در نظر آورد. زن روستایی همواره در کنار همسر
خویش به کار مشغول بود و حتی به جرئت می‌توان
اقرار کرد که بار اصلی زندگی عشق‌پوری و کار در مزارع
بر عهده زنان بوده است (فیوران، ۱۳۷۷: ۵۴)، اما نوع
زندگی شهری و نقش‌هایی که تا دیر زمانی پیش از
این تنها مردان را به مبارزه می‌طلبید، با بی‌رحمی
هرچه تمام‌تر، زن را به پذیرش محدودیتی واقع در
چهار دیواری خانه وامی‌داشت. شلردن سیاح فرانسوی
دلیل این محدودیت را تأثیر محیط جغرافیایی بر
روحیات و فیزیولوژی مردان ایرانی می‌داند: «هوای ایران
گرم و خشک و پرای ایجاد هیجان‌ها و تمایلات جنسی
و عاشقانه کاملاً مستعد می‌باشد. به دیگر سخن جاذبه
مردان نسبت به زنان حاد و جوشان است. از این رو حس
حسالت نیز بیشتر از آنچه در کشورهای همسایه بروز
می‌کند ظاهر و ظاری می‌شود. می‌توان باور کرد که
کلیه عادات و رسوم ملت‌ها حاصل هوساکی‌های آن‌ها
نیست؛ بلکه زائیده بعضی نیازهای طبیعی است».

اگرچه به عقیده شاردن مردان ایرانی برای این
خصوصیت اخلاقی خود به سختی از پیامبر اسلام
(ص) استناد می‌کنند که به پیروان خویش وصیت
کرده‌اند که دین و زنان خود را تبکو حفاظت کنند در



این لباس متحدالشکل زنان را در بیرون از خانه به کشتی‌های پارویی و نیز تشبیه کرده است (سرنا، ۱۳۶۳: ۵۹).

طبق گفته این سیاحان، زنان در منزل از پوشش کمتری برخوردار بودند. لباسی که زنان در منزل می‌پوشیدند متشکل از دامنی گشاد و کوتاه بود که زیر کمرگاه بسته می‌شد و هرچه این دامن کوتاه‌تر بود، داوطلب پوشیدن آن بیشتر می‌شد. در بین زنان ایرانی پوشیدن زیر پیراهنی و پیراهن چسبان رواج نداشت؛ بلکه فقط نیم‌تنه‌ای گشاد در برمی‌کردند که نیم‌تنه زنان خوش سلیقه از کرشه شفاف تهیه می‌شد. آن‌ها گاهی چادر رنگی بسیار سبکی به سر می‌کردند و سر را با چارقدی از جنس جلوار سفید که زیر چانه بسته می‌شد، می‌پوشاندند. پارچه لباس‌ها اغلب ابریشمی، مخمل یا زری بود که با سوزن‌دوزی‌های ظریف ترین می‌شد (سرنا، ۱۳۶۳: ۵۹ تا ۶۱).

براساس نظر دیولافوا، وضع جغرافیایی نقش تعیین‌کننده‌ای در پوشش زنان نداشت. او اشاره می‌کند که هر چه به طرف جنوب ایران برویم، بلندی جامعه زنان بیشتر می‌شود. چنان‌که در تهران دامن تا وسط ران می‌رسد، در اصفهان تا زانو می‌آید و در شیراز که گرمای خفه‌کننده‌ای حاکم است، بلندی دامن تا ماهیچه پاست.

سخن پایانی

از مهم‌ترین منابع برای شناخت تاریخ دوره‌های مختلف، به‌خصوص صوفیه و قاجاریه، سفرنامه‌های سیاحان و کارگزاران خارجی است که در آن زمان به ایران سفر کرده و به جامعه ایرانی و دربار پادشاهان آن راه یافته‌اند. این سفرنامه‌نویسان که یا مأموریت سیاسی داشته یا بازرگان و گردشگر بوده‌اند، مشاهدات خود را در دیدار از این سرزمین به نگارش درآورده‌اند. این سفرنامه‌ها از اطلاعات جامعی در این زمینه برخوردار نیستند، به علت اینکه در این دوره‌ها زن در محدودیت قرار داشت و از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به دور بود و نیز به این علت که سفرنامه‌نویسان نمی‌توانستند به راحتی به خانه‌های ایرانی راه یابند با وجود این، تصویرهایی که ارائه می‌کنند تا حدودی ما را با فضای زندگی زنان در عصر صفوی و قاجار آشنا می‌کند.

تخت جمشید را از ناصرالدین شاه گرفت، همراه همسر خود به ایران آمد و مدتی در ایران، به‌خصوص شهر شیراز، اقامت گزید. لیدی شل نیز همسر وزیرمختار انگلیس بود و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در ایران حضور داشت؛ اما کارلا سرنا از مردم ایتالیا بود که مقارن با سی‌سالگی سلطنت ناصرالدین شاه وارد ایران شد.

در نزد ایرانیان حجاب و پوشش پیوسته از جایگاه والایی برخوردار بوده است، کتیبه‌ها و حجاری‌های باقیمانده از عهد باستان خود دلیلی بر این ادعا است؛ آن‌گونه‌که در این حجاری‌ها زنان با پوشش کامل دیده می‌شوند. زنان عصر قاجار نیز از این امر مستثنی نبودند؛ چنان‌که لیدی شل در سفرنامه خود درباره لباس زنان چنین می‌نویسد: «زن ایرانی از خانه خارج نمی‌شود مگر اینکه کاملاً در پوشش ضخیمی فرو رود تا مبادا نظر دیگران به سوی او جلب شود. این پوشش که زن ایرانی در داخل آن محبوس می‌شود و از نوک پا تا سرش را فرامی‌گیرد به‌صورت زیر است: یک چادر بلند که تمام بدن را در بر گرفته و روونده‌ای به شکل پوشش کتانی سفیدرنگ که آن را روی چادر به سر می‌کند تا تمام صورت را بپوشاند و در جلو دارای دریچه‌ای مشبکی است که برای دیدن و نفس کشیدن تعبیه شده است. پس از آن چاقچور است که آن را به جای چکمه و شلوار به پا می‌کنند و پیراهن خود را در آن جا می‌دهند و بالاخره کفش‌های تنگ و ناراحتی است که به زحمت نیمی از کف پا را می‌گیرد و پاشنه‌ای دارد که در حدود وسط کف پا دارای سه اینچ بلندی است».

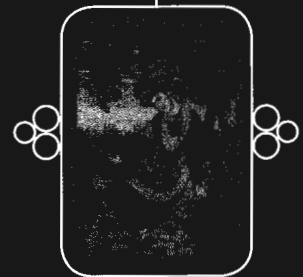
زنان بدون استثناء خود را در چادر آبی‌رنگی می‌پوشاندند. شلواری گشاد از جنس کرباس به رنگ سبز، آبی، خاکستری یا قرمز که پاها را همچون جوراب دربرمی‌گیرد و کفشی سرپایی می‌پوشند. سرنا

کتابخانه

۱. اولتاریوس، آدام، (۱۳۶۹) سفرنامه، ترجمه حسین کردیچه، بی‌جا: کتاب برای همه.
۲. بابارو، جوزفا و دیگران، (۱۳۳۹)، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
۳. تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، بی‌جا: کتابخانه ستایی.
۴. دلاواله، پیترو، (۱۳۸۰)، سفرنامه، ترجمه محمود بهفروزی، ج ۱، تهران: قطره.
۵. دیولافوا، رانسل، (۱۳۳۳)، ایران و کلد، ترجمه و نگارش فروشی، تهران: خیام.
۶. سرنا، کارلا، (۱۳۶۳)، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
۷. شاردن، (۱۳۷۴)، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمائی، ج ۴، تهران: قوس.
۸. شرلی، آنتونی و رابرت شرلی، (۱۳۵۷)، سفرنامه، بی‌جا: کتابخانه منوچهری.
۹. فن دریابل، ژرژ تکتندر، (۱۳۵۱)، ایتوریسیکوم، ترجمه محمود تقضی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. فوران، جان، (۱۳۷۷)، مقاومت‌شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
۱۱. فیگوتروا، دن گارسیا، (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: بی‌نا.
۱۲. لیدی شل، (۱۳۶۲)، ایران در آینه، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.

نقوش و سنگ‌نوشته‌های قبرور زنان مدفون در تخت فولاد

زَن وَ هُنَر



دکتر احمد کامرانی‌فر

تخت فولاد قطعه‌ای از تاریخ است با گنجینه‌ای درخور توجه از مقابر و مشاهیر که گشت‌وگذاری در آن یاد و نام بسیاری از کسان را زنده خواهد کرد؛ کسانی که روزگاری نام و آوازه‌ای داشته یا گمنامانی که اینک روی در نقاب خاک کشیده‌اند. به جبر طبیعت، همه آنانی را که در این آرامستان خفته‌اند یارای سخن‌گفتن با ما نیست؛ اما بر سرگور هریک از آن‌ها سنگی است با خط و نقش و طرح و شکل و در قاب هنرهای مختلف همچون نقاشی، خوشنویسی، حجاری و معماری که با ماسخن می‌گویند. این گورستان تاریخی مجموعه‌ای است بی‌نظیر از نقوش و نمادها و نمونه‌های منحصر به فرد که شاهکارهای حجاری را در قالب سنگ مزار در خود جای داده است. واکاوی در جزء جزء آن‌ها می‌تواند بخشی از راز و رمز نهفته در دل این نقوش و نوشته‌ها را آشکار کند.

مجموعه آرامستان تخت فولاد در مساحتی نزدیک به ۷۵ هکتار، در حاشیه جنوبی زاینده‌رود قرار گرفته است و بنا بر برخی روایات، قدمت آن را پیش از اسلام تخمین زده‌اند؛ اما آثار به دست آمده در آنجا پیشینه تخت فولاد را به یقین تا عهد ديلمی می‌رساند. سنگ قبری مربوط به سال ۵۶۷ق به دست آمده که نشانگر آن است که در قرن ششم هجری، از این مکان به عنوان آرامستان استفاده می‌شده است. در قرون متمادی، تخت فولاد در کانون توجه عرفا و صوفیه بوده است که از این مکان برای عبادت و ریاضت سود می‌جستند؛ به همین علت، به همت هریک از آن‌ها تکاپا و خانقاه‌های فراوانی در جای جای این آرامستان شکل گرفته است. در عصر صفوی و پس از انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت حکومت صفویه، آرامستان تخت فولاد به اوج اعتبار و شهرت خود رسید و محدوده آن گسترش درخور ملاحظه‌ای یافت. در عصر شاه سلیمان صفوی، محدوده تخت فولاد به حد اعلای رشد و وسعت خود رسید و از آن پس تا عصر حاضر فرازونشیب‌های فراوانی را از سرگذرانیده است.

شاید بتوان گفت که نیمی از مدفون شدگان تخت فولاد

نقوش بخش مهمی از سنگ قبور را تشکیل می‌دهند که هر یک از آن‌ها نشانگر نمادی هستند و با معنا و مفهوم خاص به کار رفته‌اند؛ گل، بوته، سرو، مهر و تسبیح، فرشته و وسایل و ابزار زندگی بر روی سنگ قبور حجاری شده‌اند. سرو نشانه جاودانگی، مهر و تسبیح سمبل ایمان و پاکیزگی و وسایل زندگی نماد شغل متوفی است.

نقوش به کاررفته بر روی سنگ قبر زنان از لطافت خاصی برخوردار است و هنرمند سعی کرده تا حد ممکن از نقوشی استفاده کند که ظرافت بیشتری دارد. مختص بودن نقوش در سنگ قبور زنان از اهمیت آن‌ها نشان دارد و این دقت هنرمند به جنسیت فرد متوفی درخور توجه است. در سنگ قبور زنان اغلب ترنج به کار رفته و حتی می‌توان گفت ترنج الهام‌گرفته از نقوش قالی است که از هنرهای زنان بوده است. در به کارگیری آیات قرآنی، هنرمندان سعی کرده‌اند از سوره فرقان و آیات آن در سنگ قبور استفاده کنند که مضمون آیات این سوره از پاکی و نجابت زنان سخن می‌گوید. باتوجه به موقعیت زن در خانواده و اجتماع و گاهی بدون توجه به آن، جنس سنگ قبور زنان اغلب از نوع مرمر است. تخت فولاد موزه بزرگی از هنر و معماری ایران است. سنگ قبور همه آنانی که در این خطه آرمیده‌اند، در ابعاد مختلف تاریخی و اجتماعی و هنری، سخن‌های بسیاری برای گفتن دارند و زمینه پژوهش‌های دانشگاهی فراوانی را در دل خود جای داده‌اند. علاقه‌مندان به مباحث زنان نیز با طرح پژوهش‌هایی درباره زنان مدفون در تخت فولاد می‌توانند حرف‌های فراوانی برای گفتن داشته باشند.

شیخ محمدتقی رازی که این تکیه به واسطه وجود آن‌ها بنا شده است، بسیاری از مشایخ و بزرگان نیز مدفون هستند؛ البته زنان دیگری همچون نسمة خاتون دختر شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و زوجه شیخ محمد رازی، شهربانو دختر شیخ محمدتقی رازی نیز در این تکیه آرمیده‌اند.

سنگ قبور زنان مدفون در تخت فولاد از نظر شکل و شمایل کلی همچون سنگ قبور مردان است؛ اما اندک تفاوت‌های ظریفی نیز میان آنان مشاهده می‌شود؛ از جمله باید به این نکته اشاره کرد که سنگ قبور مردان زائده‌ای در بالای سنگ قبر دارد که به بالین مصطلح است؛ در حالی که سنگ قبور زنان دو بالینه است تا شناسایی و تشخیص سنگ قبور زنان از مردان برای مردم عادی و عامی به سهولت امکان‌پذیر باشد. به کارگیری ماده تاریخ در بیان سال وفات زنان مدفون از مشترکات اغلب سنگ قبور است که با مضامین گوناگون و با محوریت منزلت و شخصیت زنان، عفت و عصمت آنان و دعا برای همنشین شدن آنان با حوران بهشتی سروده شده است.

از ویژگی‌های دیگر سنگ قبور زنان مدفون در تخت فولاد استفاده از خطوط قراع، ثلث، نستعلیق و نسخ بر روی سنگ قبور است در کنار بهره‌بری از اشکال و تصاویر مختلف که به طرز حیرت‌انگیزی حجاری شده‌اند. متن سنگ قبور به زبان‌های فارسی و عربی و حاوی اطلاعات تاریخی درباره متوفی، مقام علمی، فقهی، هنری، ادبی، اصل و نسب، تاریخ فوت و نیز اشعار عرفانی و ادبی و اشعاری با مضمون ماده تاریخ است. آیات قرآنی و اسماء جلاله در بیشتر سنگ قبور دیده می‌شود.

زنان بوده‌اند که در میان آن‌ها زنان بلندآوازه‌ای همچون مریم بیگم (خاتون) گرچی، قدسیه احتشامی، مریم خاتون آبیاده‌ای، سردار مریم بختیاری، ویکتوریا افسرده و... یافت می‌شوند. زنانی که هر کدام منشأ فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی بوده‌اند. مدفون شدن برخی از این زنان در تخت فولاد سبب سازشکل‌گیری برخی تکاپا شده است که می‌توان از جمله معروف‌ترین آن‌ها به تکیه مادر شاهزاده اشاره کرد.

مریم بیگم (خاتون)، معروف به مادر شاهزاده، دایه حاجی سیف‌الدوله محمد میرزا یکی از پسران فتحعلی‌شاه از همسری به نام طاووس خانم بود. پس از وفات مریم بیگم به سال ۱۲۴۶ ق در اصفهان، وی را در تخت فولاد به خاک سپردند و پس از آنکه شیخ محمدتقی رازی در سال ۱۲۴۸ ق وفات کرد، او را نیز در جوار مریم بیگم دفن کردند؛ سپس برای هر دوی آن‌ها تکیه‌ای با بقعه‌ای عالی ساختند که به تکیه مادر شاهزاده یا تکیه محمدتقی معروف شده است.

تکیه مادر شاهزاده جایگاهی درخور ستایشی در هنر معماری دارد. مفرنس‌های زیبا، گچ‌بری، گره‌های آجری، کاشی‌هایی با نقوش چرخه خورشید، ستون‌های سنگی حجاری شده و سنگ قبور مریمین با حجاری‌های بی‌نظیر به خط‌های ثلث و نستعلیق و با خط خوشنویسان معروفی همچون میرزا زین‌العابدین اشرف‌الکتاب، محمدباقر سمسوری، محمدحسین ضیاء اصفهانی و میرزا آقا جان پرتو لنجانی همه و همه مناظر چشم‌نوازی برای بیننده خلق می‌کنند تا آدمی را به سفری در درون تاریخ رهنمون سازند. در تکیه مادر شاهزاده علاوه بر مریم بیگم و

